



قیامت

پرسش: آیا جزئیات قیامت مانند خوردن، خوابیدن، حور العین و مانند آنها، قابل اثبات است؟

نمایه: قیامت، خوردن، خوابیدن، حورالعین، بهشت

پاسخ: یکی از سوالات مطرح شده درباره قیامت سوال از جزئیات این روز مانند خوردن، خوابیدن، حور العین و... می باشد که آیا می شود این جزئیات را اثبات کرد؟

در جواب می گوئیم:

فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۱.۱ - منابع قابل استفاده جهت اثبات جزئیات قیامت
- ۲ - اقسام قضایا
 - ۲.۱ - معیار صدق قضایا
 - ۲.۲ - ارزیابی معیار اصالت تجربه
- ۳ - معیار اثبات قیامت عقلا و نقلا
 - ۴ - اقسام عقلی
 - ۴.۱ - عقل نظری
 - ۴.۲ - عقل عملی
 - ۴.۲ - کارایی عقل
- ۵ - نتیجه
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

مقدمه

اثبات هر پدیده‌ای تنها از راه دلایل مناسب با آن پدیده ممکن است و گرنه پس از پژوهش‌های طولانی، به نتیجه مطلوب دست نخواهیم یافت، به عنوان مثال، برای اثبات این که فردی به نام شاه عباس صفوی مدتی در ایران سلطنت کرده است، باید به منابع تاریخی معتبر رجوع کرد، و هیچ دلیل عقلی برای اثبات یا انکار وجود فردی به این نام و خصوصیات وجود ندارد.

← منابع قابل استفاده جهت اثبات جزئیات قیامت

از آنجا که مسأله معاد یکی از غیبیات است که عقل انسان جز در اثبات اصل آن و برخی از ویژگی‌هایش کارایی ندارد، از این رو درباره جزئیات و چگونگی پاداش و عقاب‌ها باید از «وحی» مدد گرفت و به روایات و قرآن که معتبرترین کتاب روی زمین است مراجعه کرد؛ «و من اصدق من الله قیلا». [۱] توضیح بیشتر نکته یاد شده نیاز به تشریح اقسام قضایا دارد.

اقسام قضایا

تمام قضایا در یک تقسیم به بدیهی و نظری تقسیم می‌شوند. قضایای بدیهی مانند جزء کوچک‌تر از کل است به خلاف قضایای نظری نیاز به استدلال ندارند. در یک تقسیم دیگر قضایا و تصدیقات به تجربی و غیرتجربی تقسیم می‌شوند. تجربه، خود اصطلاحات گوناگونی دارد و آن چه بیشتر محل بحث می‌باشد. اصطلاح تجربه به معنی آزمایشات علمی است که با آنها به تفصیل به علت یک پدیده پی می‌برند، از نکات یاد شده، معلوم می‌شود که اثبات جزئیات بهشت و جهنم از قضایای بدیهی نیست، بنابراین نیازی به استدلال دارند، از سوی دیگر این قضایا از قضایای تجربی نیز نیستند، بلکه از قضایای غیرتجربی می‌باشند.

← معیار صدق قضایا

پس از توضیح اقسام قضایا این پرسش مطرح می‌شود که آیا همه قضایا و تصدیقات از راه تجربه به دست می‌آید؟ برخی بر آنند که انسان جز راه حس و روش تجربی، راه دیگری برای کسب تصدیقات ندارد. آنان معیار و ملاک صدق قضایا را تنها تجربه می‌دانند. برای نمونه در قضیه: «آهن در حرارت منبسط می‌شود» می‌گویند، صحت یا خطای این قضیه بایستی در عمل و تجربه و با کمک مشاهده حسی به دست آید. همینطور ادعا می‌کنند قضایای: «خدا وجود دارد، معاد و بهشت و جهنم حقیقت دارد»، «حور العین و پاداش‌های دیگر وجود دارد» باید با معیار تجربه سنجیده شود.

← ارزیابی معیار اصالت تجربه

در رد این نظریه به اختصار می‌توان گفت:

۱. خود معیار بودن تجربه برای صادق یا کاذب بودن قضایا از چه راهی اثبات شده است؟ آیا این معیار از راه تجربی به دست آمده یا از راه دیگر؟
۲. تجربه از نظر شرایط زمانی و مکانی محدود، بنابراین شامل خیلی از قضایا که در محدوده زمان و مکان خاصی نمی‌گنجد، نمی‌شود. برای نمونه، مفاد قضیه «هر فلزی در حرارت منبسط می‌شود» همه زمان‌ها و مکان‌ها را شامل می‌شود حال اگر ملاک صدق و کذب قضایا تجربه باشد، هیچ گاه نباید قادر بر تصدیق چنین قضایایی باشیم چون همه فلزها تجربه نشدند.

۳. تجربه هرگز حق نفی یک موضوع خارج از محدوده خود را ندارد؛ بنابراین اگر تصدیقی داشته باشیم که موضوع و محمول آن قابل ادراک حسی و تجربی نباشد، مانند مفاهیم فلسفی، منطقی، تاریخی و قضایای امور غیرممکن و محال نمی‌توان با معیار تجربه ارزشیابی نمود؛ زیرا تجربه ما هر قدر هم گسترده باشد، همواره افراد و شرایط محدودی را شامل می‌شود. [۲]

پس از تبیین عدم کارآیی تجربه در تصدیق و اثبات همه قضایا، معیارهای دیگری که می‌توان برای اثبات قضایایی مانند وجود جزئیات **بهشت** و **جهنم** تصور کرد، **عقل** و **نقل** است. عقل نیز در این زمینه مانند تجربه مفید نیست. توضیح بیشتر نکته یاد شده، نیاز به تشریح اقسام **عقل** و محدوده شمول آن بستگی دارد.

اقسام عقلی

در یک تقسیم‌بندی کلی، عقل را به دو دسته عقل **نظری** و **عملی** تقسیم می‌کنند.

← عقل نظری

فعالیت عقل نظری، وجودشناسی و تاملات فلسفی است و از آن «**جهان‌بینی**» به دست می‌آید، از خصوصیات عقل نظری، این است که «کل شناس» می‌باشد و با جزئیات سروکاری ندارد.

← عقل عملی

عقل عملی در مقابل عقل نظری، «جزء شناس» است و با مصالح فرد و جامعه سروکار دارد و از آن «**سیاست**» و «**اخلاق**» به دست می‌آید.

← کارایی عقل

در رابطه با میزان کارایی عقل، دیدگاه‌های **افراطی** و **تقریبی** متفاوتی وجود دارد:

۱. برخی مانند «**حس** گرایان» به کلی **عقل** را فاقد اعتبار می‌دانند و گزاره‌های **فراحسی** را یاوه می‌انگارند.
 ۲. برخی مانند **عقل‌گرایان** گرفتار **خردسندگی** شده و **خرد بشری** را ورای همه چیز و برتر و بالاتر از هر چیز می‌دانند. راه اعتدال آن است که ضمن پذیرش عقل به عنوان یکی از ابزارهای مهم شناخت‌های بشری به محدودیت‌های آن نیز واقف بود و دانست که: الف. عقل نظری می‌تواند کلیاتی را در رابطه با **نظام هستی** به ما بنمایاند، اما از یافتن همه حقایق - به ویژه در رابطه با جزئیاتی از قبیل مسایل مربوط به جهان آخرت و ... ناتوان است و بدون هدایت‌های **انبیاء** نمی‌توان به آنها راه یافت.
 - ب. عقل جزءشناس عملی نیز هر چند در شناخت بسیاری از نیکی و بدی‌ها مؤثر است، ولی **فادر** به شناخت همه آنها در جمیع شرایط نیست و در این زمینه نیز بشر نیازمند هدایت‌های روشن‌گر **دین** است. [۲]
- پس از روشن شدن، عدم کارایی **عقل** در اثبات جزئیات **معاد**، ناچاریم از وحی در این باره کمک بگیریم.

نتیجه

جزئیات معاد نیز قابل اثبات می‌باشند ولی روش اثبات آن، روش نقلی با تکیه بر وحی و نقل می‌باشد که البته اثبات حجیت نقل نیز با عقل ثابت می‌شود. **قال علی - علیه السلام -:**

اعمال العباد فی عاجلهم نصب اعینهم فی آجالهم؛ کردگار بندگان در این دنیا، در روز قیامت در برابر دیدگانشان **مجسم** خواهد بود. [۴]

پانویس

۱

۱. ↑ نساء(۴) آیه ۱۲۲
۲. ↑ . غرویان، غلامی و میربافری، بحثی مبسوط در آموزش عقاید، قم، دار العلم، ج ۱، ص ۲۴.
۳. ↑ . مصباح بردی، مجد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۱، ص ۴۷ - ۵۹.
۴. ↑ نهج البلاغه، حکمت ۷

منبع

سایت اندیشه قم

رده‌های این صفحه : **کلام** | **معاد شناسی** | **قیامت** | **نعمت های بهشتی**